

## روشنفکران ایرانی و مسئله تحریم

منبع: سایت جرس، روز دوشنبه، مورخ: ۹۲/۶/۴

هفته گذشته سعید حجاریان در مصاحبه‌ای تحت عنوان «تحریم و ما ادریک ما التحریم» که در روزنامه اعتماد منتشر شده، از روشنفکران خواسته بود در برابر تحریم‌ها سکوت نکنند و وضعیت نامساعد حاصل از آنرا گزارش کنند. بر این باورم که بر همه ما ایرانیان وطن‌دوست فرض است که در حد توان با تحریم‌های سنگین بین‌المللی علیه ایران مخالفت کرده، اعتراض خود را به صدای بلند اعلام کنیم. بر اساس گزارش‌های داخلی و خارجی، وضعیت بازار دارو در داخل کشور، بحرانی است؛ هم‌چنین است وضعیت برخی دیگر از کالاهای اساسی؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. بدون تردید، بیشترین آسیب از اعمال این تحریم‌ها دامن‌گیر طبقات پایین و متوسط جامعه می‌شود. طبقه متوسطی که قرار است عاملان رشد فرهنگی و اجتماعی و علمی و حاملان ساز و کار دموکراتیک در کشور ما باشند. دولت‌ها و افرادی که بر طبل تحریم می‌کوبند و آنرا موجه می‌انگارند، ادعا می‌کنند که در پی محدود کردن بلندپروازی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و تقویت نهادهای شدن دموکراسی در ایران هستند. ایشان در داوری‌های خود درباره برنامه هسته‌ای ایران حتی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیشتر افتاده و مع‌الاسف اظهار نظرهایی می‌کنند که هنوز آژانس هم آن را ادعا و اعلام نکرده است. از سوی دیگر با اعمال تحریم‌های شدید، قشر متوسط که معمولاً بیشترین سهم را در پیشرفت هر جامعه‌ای دارند، و بار توسعه فرهنگی، اجتماعی، تولید علمی و اقتصادی و نهادهای کردن مبانی دموکراسی را بر دوش می‌کشند، عملاً از میان می‌رود و به این ترتیب جامعه به دو قطب طبقه کم درآمد با درصد بالایی از جمعیت، در برابر طبقه مرفه و پردرآمدی تجزیه خواهد شد که درصد اندکی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند؛ این امر خود ناهنجاری‌های اجتماعی وسیع و عمیقی را در کشور پدید می‌آورد. همان‌طور که می‌دانیم نه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نه حتی شورای امنیت سازمان ملل — که بنا بر وظیفه اولیه خود در منشور ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد — که موضوعات مطروحه در آن شورا را به دقت بررسی می‌کند، و نه هیچ مرجع حقوقی دیگری، هنوز ادله کافی مستند در خصوص تلاش ایران برای ساخت بمب اتمی نیافته‌اند و تا کنون چنین ادعایی جز از سوی برخی جریان‌های تند سیاسی مطرح نشده است. تنها مسئله‌ای که همواره درخواست شده، اعتمادسازی با تاکید بر حق غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران بوده است.

حال، روشن است که اعمال تحریم از سوی کنگره آمریکا — که فی‌نفسه یک ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل است — با عنایت به تأثیرات مخرب که بر زندگی و سلامتی و معیشت ایرانیان دارد، اولاً قصاص قبل از جنایت است و ثانیاً مجازات مردمی است که نقشی در به وجود آمدن این شرایط نداشته‌اند. قاعدتاً باید ابتدا دغدغه امنیت و پایداری ایران و ایرانی را در سر پروراند، سپس نهال دموکراسی را کاشت و آبیاری کرد تا در خاکی سالم و غنی سربرآورد و به درختی تنومند و پربار بدل گردد. با اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، نه از «تاک» نشان می‌ماند و نه از «تاک نشان».

نباید فراموش کرد که دلمشغولی اصلیِ عموم دولت‌های حامی تحریم، به گواهی رفتار سیاسی آن‌ها در سالیان اخیر، نه نهادینه شدن حقوق بشر و گفتمان دموکراتیک در ایران، بلکه سنجش قدرت نظامی و تأثیرگذاری آن در منطقه و نقشی است که در معادلات سیاسی ایفا می‌کند؛ وگرنه، باید جهت‌گیری اصلی ایشان در ایران به این سنخ مباحث معطوف می‌شد، نه فقط به مسئله هسته‌ای. در عین حال، عدم حساسیت و اعتراض ایشان نسبت به دیگر حکومت‌های منطقه، نظیر عربستان، که ساز و کاری غیر دموکراتیک دارند نیز مؤید این امر است.

به‌علاوه، حال که دفتر سیاست در دیار ما ورق خورده، جامعه جهانی نیز باید همدلی و حسن نیت و عزم راسخ خود برای حل مسئله هسته‌ای ایران را نشان دهد. تمدید و تشدید تحریم‌ها در این شرایط هیچ کمکی به حل این مسئله نمی‌کند و گره‌ای از این معضل فروبسته نمی‌گشاید. با تشدید چنین تحریم‌هایی، کار در داخل و خارج کشور به دست تندروها می‌افتد. اعمال تحریم‌های طاقت‌فرسای بین‌المللی، وضعیت را بر میانه‌روها و اصحاب معتدل داخلی که بنا را بر مصالحه گذاشته‌اند، سخت می‌کند و آن‌ها را به حاشیه می‌راند؛ در مقابل تندروها میدان را به دست می‌گیرند و در تنور منازعه و مخاصمه می‌دمند و ایران را به سمت جنگ و ویرانی سوق می‌دهند.

برای خروج از این وضعیت، برداشتن تحریم‌ها از سویی و پشتیبانی از سیاست‌های مصالحه محور داخلی و بین‌المللی از سوی دیگر اولویت دارد. اگر جامعه جهانی در موضوع انرژی هسته‌ای به درستی از دولت‌مردان ایرانی می‌خواهد که از خود حسن نیت نشان دهند و به قواعد بین‌المللی احترام بگذارند و در راستای اعتمادسازی گام بردارند، در مقابل خود نیز باید با اتخاذ همین رویه و احترام گذاشتن و به رسمیت شناختن خواست اکثریت ملت ایران که در انتخاب حسن روحانی و کنار نهادن گفتمان سیاسی ماجراجویانه بدیل متجلی شده، چند گام به پیش آید و اقدامات مؤثری انجام دهد. یقیناً، در این میان، تمدید تحریم‌های بین‌المللی علیه دولت جدید ایران نشانه خوبی نیست و راهی به جایی نمی‌گشاید.

چنان‌که درمی‌یابیم، روشنفکران عرصه عمومی وظیفه دارند آگاهی شهروندان ایرانی و جامعه جهانی را درباره عواقب تحریم‌ها در حدّ توان بالا ببرند و بانگ اعتراض خود را به گوش همگان برسانند. اطلاع‌رسانی در این باب به شیوه‌های گوناگون از جمله نوشتن مقاله، مصاحبه کردن و منتشر کردن اعتراض‌نامه‌های گروهی و دسته‌جمعی در فضای عمومی و رسانه‌ها؛ و آگاه کردن هموطنان داخل و خارج از کشور و جامعه جهانی از عواقب هولناک تحریم‌های فراگیر، از مقتضیات کار و بار روشنفکری است. روشن است که با اطلاع‌رسانی و اعتراض صرف روشنفکران ایرانی، تحریم‌ها لغو نمی‌شود و به لحاظ حقوقی و اداری مشکلات هم‌چنان بر جای خواهد ماند و مسئله باید در سطح دیپلماتیک میان دولت‌ها پی‌گرفته شود؛ اما مگر قرار است اقدامات روشنفکرانه آثار و نتایج عینی و عاجل حقوقی و اداری داشته باشند؟ مگر چنین انتظار و تلقی‌ای از روشنفکران می‌رود؟

روشنفکران عرصه عمومی، به مثابه چشم‌های بیدار جامعه، دل‌نگران و دلمشغول عرصه‌های سیاست و فرهنگ و معیشت و زندگی اجتماعی شهروندان هستند و آنچه در این حوزه‌ها رخ می‌دهد را رصد کرده و به صدای رسا حکایت می‌کنند، و البته در سمت و سو بخشیدن به افکار هموطنان خود و طرح و تبیین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و مشکلات ایشان در فضای داخلی و بین‌المللی، نقش مهمی بر عهده دارند.